روی موج کوتاه

عراقچی درباره سفر تخت روانچی به عمان:
برنامه‌ای برای مذاکره نداریم که نیاز به میانجی باشد

وزیر امور خارجه گفت: الان برنامه‌ای برای مذاکره وجود ندارد که به واسطه یا میانجی احتیاج داشته باشیم. به گزارش ایسنا، سیدعباس عراقچی در حاشیه جلسه روز چهارشنبه هیأت دولت در جمع خبرنگاران درباره سفر معاون سیاسی خود به عمان افزود: آقای تخت‌روانچی برای گفتگوهای سیاسی دوره‌ای که داریم به عمان رفته بود که هر ۶ ماه یکبار یک بار در تهران و یکبار در مسقط برگزار می‌شود.

انتقاد فعال سیاسی از ادبیات سیاسی «نرگس محمدی»:
برازنده «برندهٔ جایزهٔ صلح نوبل» نیست!

تحلیلگر سیاسی و روزنامه‌نگار با انتقاد از اظهارات اخیر نرگس محمدی، ادبیات و لحن او را برازنده «برندهٔ جایزهٔ صلح نوبل» ندانست. احمد زیدآبادی، در کانال تلگرامی خود نوشت: سرکار خانم نرگس محمدی برندهٔ جایزهٔ صلح نوبل با انتشار متنی نوشته است: «جدال اصلی به واقع بین «بقاء طلبان» و «پایان خواهان» رژیم دینی استبدادی است.» به گفتهٔ او «اکنون «اصلاحات» به واقع انحراف، توهم، و لجاجتی بیش نیست.» وی ادامه داد: در مورد محتوای سخن خانم محمدی و مفاهیم به کار گرفته شده در متن او، سخن بسیار است، ولی من در اینجا نمی‌خواهم وارد این موضوع شوم. فقط می‌خواهم تأکید کنم که این لحنِ خاص و کلام قاطع و بی چون و چرا که شمار بسیاری از کنشگران صحنهٔ سیاسی ایران را آزار می‌دهد، برازندهٔ هر که باشد، برازندهٔ «برندهٔ جایزهٔ صلح نوبل» نیست!

کنایه آذری جهرمی به وفاق دولت چهاردهم:
ترامپ - ممدانی برای پیشرفت آمریکا وفاق نمی‌کنند، مثل پزشکیان - زاکانی؟

وزیر پیشین ارتباطات، پیروزی زهران ممدانی در انتخابات نیویورک و برگزیده شدن به عنوان شهردار را به وفاق دولت چهاردهم ربط داد! محمدجواد آذری جهرمی، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ترامپ - ممدانی برای پیشرفت آمریکا وفاق نمی‌کنند؟ مثل پزشکیان - زاکانی؟»

در جلسه علنی دیروز مجلس صورت گرفت؛
اتهام‌زنی همزمان کوچک‌زاده به چندین نفر در چند دقیقه!

نماینده تهران در صحن علنی مجلس خطاب به دولت و قوه قضائیه گفت: آقای پزشکیان نمی‌شود در اطلاع‌رسانی دولت مدعی محرومان و مستضعفین رانت‌خواران به کار گرفته شوند که علاوه بر حقوق ده‌ها میلیونی از دولت در پتروشیمی جم هم استفاده شود در حالی که هزاران جوان با شرف در حسرت تامین مایحتاج خود هستند. به گزارش دانشجو، مهدی کوچک‌زاده، در صحن علنی مجلس خطاب به دولت و قوه قضائیه گفت: آقای اژه‌ای! نمی‌شود در جبهه مستضعفین بود و حساب و کتاب زنگنه مسبب کرسنت و آخوندی وزیر سابق مسکن و فرزندانش در شرکت‌های متعدد عمرانی و جهانگیری مشتری هتل‌های بنیاد مستضعفان به ثمن بخس و بابک زنجانی و اکبر طبری و ده‌ها مفسد دیگر را برای مردم روشن و شفاف نکرد.

واکنش فواد ایزدی به پیروزی ممدانی:
پیام ۱۳ آبان به نیویورک رسید!

کارشناس صداوسیما پیروزی زهران ممدان در انتخابات شهرداری نیویورک را رسیدن پیام ۱۳ آبان به نیویورک دانست. فواد ایزدی کارشناس صداوسیما در فضای مجازی نوشت: «پیام ۱۳ آبان به نیویورک رسید. سه شعار اصلی زهران ممدانی، شهردار جدید نیویورک در مقایسه با دیگر نامزدها: حمایت از آرمان‌های فلسطین، عدالت خواهی، مبارزه با نژادپرستی در سیاست‌های داخلی و خارجی. افرادی که سه شعار بالا را برجسته کنند حکمرانان آینده کل آمریکا خواهند بود.»

دیس و دیس بک تهدید آمیز «ثابتی» و «زنجانی»!

بابک زنجانی در شبکه اجتماعی ایکس در واکنش به تذکر اخیر ثابتی در مورد ارتباط او با تلگرام در صحن علنی مجلس، نوشت: «مجلس محل قانون گذاری است نه قانون‌شکنی... کودک نماینده اگر نتوانی اثبات کنی دزد چه کسی است و اگر نتوانی اثبات کنی تلگرام و انتساب آن شرکت به اینجانب ربط دارد و یا نتوانی اثبات کنی بدهی خود را پرداخت نکرده‌ایم پشت و رویت می‌کنم تا درس عبرتی برای همه نفوذی‌های کشور شود.» امیرحسین ثابتی، نماینده تهران در مجلس نیز در حساب کاربری خود در شبکه ایکس در مطلبی با عنوان «پاسخ به زیاده‌گویی‌های دزد بزرگ»، نوشت: «دزد بزرگ که تک‌تک سلول‌های بدنش با رانت ارز دولتی و پول‌های حرام رشد کرده، عصبی شده و تهدید می‌کند. با این لات‌بازی‌هانه پرونده‌های بخور بخور و فسادت فراموش می‌شود و نه می‌توانی جنس‌های بنجل و رمز ارزهای قلابی‌ات را به جای بدهی به بیت‌المال قالب کنی. والله قسم تا روزی که زنده باشم دست از سر تو و امثال تو که یک عمر خون ملت را در شیشه کرده‌اند برنمیدارم، ولو به قیمت از دست دادن جانم.»

گفتگوی مکرون با فرانسویان آزادشده در ایران

رئیس جمهور فرانسه به صورت ویدئو کنفرانس با «سیسیل کولر» و «ژک پاریس» که از اوین خارج شده‌اند، گفت‌وگو کرد. «امانوئل مکرون» این گفت‌وگو را تاثیر گذار خواند و گفت: حال زندانیان آزاد شده خوب و خیالشان آسوده شده است. آنها هنوز قادر به بازگشت به فرانسه نیستند. ما باید اجازه دهیم دیپلماسی فرانسه کار خود را برای دستیابی به این نتیجه انجام دهد.

کنایه آشنا به نقدعلی:
فیلتر تلگرام با تصویب مجلس بود؟!

حسام‌الدین آشنا، مشاور دولت روحانی، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس با اشاره به بازی دوگانه مجلس در مورد فیلترینگ تلگرام، در پاسخ به تهدید نقدعلی دو سوال مطرح کرد: «سؤال اول: آیا مسدود کردن تلگرام هم به تصویب مجلس رسیده بود؟ سؤال دوم: آیا برای رفع مسدود بودن واتس آپ هم همین شرط را گذاشته بودید؟» محمد تقی نقدعلی، نماینده مجلس در جلسه علنی روز یکشنبه در صحن علنی گفته بود: هر گونه قراردادی {با تلگرام} باید به تصویب مجلس برسد. اگر قراردادی بدون تصویب مجلس امضا شود، به استیضاح وزیر منجر می‌شود.

تأملی بر حکایت آن مرد مهاجر در آمریکا و چالش تشکیل «سازمان ملی مهاجرت» در ایران

فاصله طولانی از حاشیه تهران تا قلب منهتن

میرا قربانی‌فر

صبح پنج‌شنبه در خیابان‌های شلوغ منهتن، تابلوهای شهری چشمک می‌زدند «سلام به شهردارِ جدید نیویورک». در مرکز توجه مردی بود که زمانی مهاجری از سرزمینی دور بود، حالا با شادمانی نفس‌گیر شهر را در دست گرفت.

نگاه‌ها در قاب عکسِ لحظه سوگندش متوقف شد؛ چگونه کسی که روزگاری غریبه خوانده می‌شد، امروز نه فقط شهروند، که رهبرِ انتخابی یکی از بزرگ‌ترین شهرهای جهان است؟

داستان او تنها نمادی است از آن چه در جهانی‌شدن امروز ممکن است؛ مهاجر دیگر محدود به لبه جامعه نیست، بلکه می‌تواند بر رأس قدرت بنشیند.

اما اگر در آن سوی مرزها مهاجر می‌تواند «شهردار» شود، چرا در ایران، بحث «لایحه ساختار، وظایف و اختیارات سازمان ملی مهاجرت» پس از هفت سال بلاتکلیفی، همچنان در پیچ‌وخمِ قانون‌گذاری مانده است؟ چرا کشوری که بهترین نیروهایش در صف مهاجرت ایستاده‌اند، هنوز درک و تنظیم نسبت خود با «دیگران» گرفتار سردرگمی است؟

در آمریکای قرن بیست‌ویکم، حضور مهاجران نه تنها امری طبیعی، که از ارکان رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شود. بسیاری از شهرها، ایالت‌ها و حتی دولت‌های ملی بسته به توانِ جذبِ نیروی انسانی مهاجر و تنوعِ فرهنگی توانسته‌اند خود را پویاتر کنند.

آن که امروز شهردار نیویورک شد، ممکن است دیروز نه با سند تولد در این کشور، بلکه با امید فرصتی تازه وارد شده باشد.

این نماد، به ما یادآوری می‌کند که مهاجرت تنها چالشی برای دولت‌ها نیست، بلکه سرمایه‌ای بالقوه است، اما اگر قانون، سیاست و نهادها توان مدیریت و بهره‌گیری از آن را داشته باشند. در ایران اما معادله کمی متفاوت است. مهاجران، عمدتاً از کشورهای همسایه (به‌ویژه افغانستان) سال‌هاست در بخش‌های مختلف کشور حضور دارند: در بازار کار، مدارس کودکان مهاجر، محلات شهرهای بزرگ و گاه در بخشِ زیرزمینیِ کار و اجاره‌بها؛ و حالا دیگر حضور آن‌ها چالشی نیست که بتوان آن را با چشم بستن نادیده گرفت.

روایت یک غیبت قانونی

در ایران، مهاجرت سال‌هاست واقعیتی روزمره است، اما قانون‌گذاری درباره آن همیشه با تأخیر و پراکندگی همراه بوده است.

ایران، سابقه‌ای نه‌چندان منظم در قانون‌گذاریِ مقرّرِ مهاجرت دارد. در مجلس یازدهم، پیشنهادی ۶۷ ماده‌ای درباره «ساماندهی اتباع» مطرح شده بود که بعدها لایحه دولت، در مجلس جاری، به عنوان نقطه آغازِ جدید تلقی شد.

نمایندگانی چون ابوالفضل ابوترابی می‌گفتند که لایحه دولت صرفاً بر تشکیل سازمان تمرکز کرده و به مسائل مهمی چون مهاجرانی که مجوز کار ندارند، مالیات نمی‌دهند، یا خانه و سیم‌کارت‌شان محلِ اجاره برای اقدامات غیرقانونی شده، توجه نشده است.

از سوی دیگر ابوترابی تاکید کرده که آمار شناخته‌شده از تعداد اتباع (مثلاً «بیش از ۶ میلیون تبعه افغانستانی در کشور» که وزارت‌خانه مربوط اعلام کرده) تنها بخشی از واقعیت است و «آمار سیاه» یا تعداد نامعلومی که دقیقاً ثبت نشده‌اند، ممکن است بسیار بالاتر باشد.

اینجاست که یکی از بزرگ‌ترین معضلات را می‌بینیم؛ هنگامی که دولت یا نهادها نمی‌دانند دقیقاً چند نفر وارد کشور شده‌اند، کجا ساکن‌اند، در چه مشاغلی هستند، تحت چه شرایطی فعال‌اند، چطور می‌توان قانون منظم و کارآمدی طراحی کرد؟ وقتی داده‌ها ناقص‌اند، هر سیاستی آسیب‌پذیر است.

در چنین شرایطی بود که دولت چهاردهم، ۲۸ بهمن ۱۴۰۳، لایحه «ساختار، وظایف و اختیارات سازمان ملی مهاجرت» را به مجلس شورای اسلامی فرستاد و در ۱۵ اسفند همان سال اعلام وصول شد. هدف آن نیز ایجاد نهادی واحد برای ساماندهی ورود و اقامت اتباع خارجی بود تا از آسیب‌های ورود غیرقانونی از آموزش و اشتغال تا امنیت کاسته شود.

با این حال، مسیر لایحه بلافاصله به میدان اختلاف دولت و مجلس تبدیل شد؛ از نهادهای امنیتی تا وزارت تعاون و کار، هر کدام برداشت خود را از «مسأله مهاجر» داشتند.

از میدان جنگ تا کمیسیون‌های مجلس

این شرایط در حالی بود که حمله اسرائیل به ایران در بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ و فضای امنیتی پس از آن، نگاه حاکمیت به مهاجران را تغییر داد. روایت‌های رسمی از «دست داشتن برخی اتباع در اقدامات تروریستی یا جاسوسی» باعث شد موضوع مهاجرت از یک بحث اجتماعی به مساله‌ای امنیتی بدل شود. در چنین فضایی، مجلس در ۲۹ تیرماه همان سال تصمیم گرفت لایحه را طبق اصل ۸۵ قانون اساسی بررسی کند و این یعنی در کمیسیون مشترک چهارگانه (امنیت ملی، امور داخلی، اجتماعی و قضایی) و نه در صحن علنی بررسی خواهد شد. این تصمیم، همان قدر که سرعت کار را افزایش داد؛ از شفافیت آن کاست.

سید مرتضی محمودی، سخنگوی کمیسیون مشترک، گفته بود: «کلیات تصویب شده اما جزئیات نیازمند بررسی مکتوب اعضا و دستگاه‌هاست» و این نیز معنایش این بود که تازه اول راه هستند.

افزایش مواد و افزایش مناقشه

در چنین شرایطی بود که روزنامه جمهوری اسلامی، از نخستین منتقدان این روند شد و در یادداشتی تند نوشت: «چرا باید لایحه‌ای که دولت در ۱۱ ماده تدوین کرده بود، در مجلس به ۷۰ ماده افزایش یابد؟ آیا این حجم از مواد جدید، به معنای اعطای امتیازات گسترده به بیگانگان نیست؟»

این هشداری بود که برخی مواد جدید، از اعطای تابعیت در ازای ازدواج با زنان ایرانی تا تملک املاک با پنج سال اقامت را مجاز دانسته و حتی برای «بی‌تابعیت‌ها» حقوق اجتماعی قائل شده است. برخی این روند را «گامی خطرناک در تغییر ترکیب جمعیتی و مذهبی ایران» می‌دانستند.

اما در مقابل، نمایندگان مجلس از جمله ابوالفضل ابوترابی گفتند لایحه دولت ناقص است و «در آن فقط تشکیل سازمان دیده شده بود، نه نحوه مالیات‌گیری از مهاجران، نه مجازات قاچاق انسان، نه ثبت محل زندگی اتباع و نه کنترل تغییر شغل آن‌ها.»

به تعبیر این نماینده، لایحه دولت برای نظم دادن نوشته شده بود، اما لایحه مجلس برای «کنترل کامل» و همین تفاوت هدف، ریشه اختلاف است.

تضاد دولت و مجلس بر سر دامنه قانون

در چنین شرایطی بود که سید کامل تقوی‌نژاد، دبیر هیأت دولت، آشکارا از تغییرات مجلس انتقاد کرد و گفت: «باید همان لایحه دولت بررسی شود، نه نسخه‌ای که از روح کلی آن فاصله دارد.» اما در مقابل، محمدصالح جوکار، رئیس کمیسیون امور داخلی مجلس، تأکید کرد که افزایش مواد صحت ندارد و هنوز هیچ جزئیاتی تصویب نشده است.

در میانه این رفت‌وبرگشت‌ها وزیر کشور، اسکندر مومنی نیز هشدار داد که نباید تغییرات مجلس باعث «تغییر ماهوی لایحه» شود. به بیان دیگر، دولت می‌خواهد سازمانی چابک برای نظم‌بخشی داشته باشد، ولی مجلس قصد دارد قانونی همه‌جانبه با ضمانت‌های امنیتی بنویسد.

نبود سیاست نتیجه نبود آمار

در قلب این مناقشه اما یک واقعیت پنهان وجود دارد؛ ایران هنوز نمی‌داند چند مهاجر در خاک خود دارد. وزارت کار می‌گوید «بیش از شش میلیون تبعه افغانستانی در کشور حضور دارند»، اما نمایندگان مجلس از «آمار سیاه» سخن می‌گویند که بسیار بالاتر است. به این ترتیب وقتی داده‌ها مبهم است، سیاست‌گذاری هم به تخمین متکی می‌شود. هر مقام عددی می‌دهد و هر عدد مبنای تصمیمی تازه می‌شود.

ابوترابی در مجلس گفته بود: «نمی‌دانیم چه تعداد مجاز یا غیرمجاز در کشور هستند؛ هر کس آمار خودش را دارد»؛ این یعنی لایحه‌ای که قرار است سامان بدهد، خود بر زمینی ناهموار بنا شده است.

در این میان احمد نادری، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، واقعیتی را یادآوری کرد که کمتر کسی علنی می‌گوید: «اقتصاد ایران به نیروی کار مهاجر وابسته است. سامان‌دهی و نظارت بر این نیروها هم به نفع کشور است، هم به حفظ کرامت انسانی آنان کمک می‌کند.»

از کارگاه‌های ساختمانی تهران تا مزارع کرمان و قزوین، نیروی کار افغانستانی ستون نامرئی اقتصاد ایران است اما همین ستون، نه بیمه دارد، نه شناسنامه، نه جایگاهی در قانون. نادری در واقع بر پارادوکسی دست گذاشت که نظام سیاسی ایران سال‌هاست با آن مواجه است: مهاجر لازم است، اما به رسمیت شناخته نمی‌شود.

لایحه‌ای بین امنیت و انسانیت

حال به نظر می‌رسد این لایحه گرفتار دو گفتمان متضاد است؛ یکی نگاه امنیتی که مهاجر را تهدید می‌بیند و می‌خواهد با انگشت‌نگاری، محدودیت شغلی و ثبت محل اقامت، کنترل کامل داشته باشد؛ و دیگری نگاه انسانی و اقتصادی که او را نیروی مولد می‌داند و بر ساماندهی قانونی و حفظ کرامت تأکید دارد.

آن مرد مهاجر که در نیویورک سوگند یاد کرد، امروز نماد جهانی «ادغام» است؛ شهروندی که از مسیر قانون و اعتماد، از مهاجر به مدیر رسید؛ اما در این‌سو، ایران هنوز بر سر تعریف «مهاجر» و «تابعیت» مناقشه دارد و مهاجرت در ایران نه به فرصت، بلکه به بحران بدل می‌شود

تضاد این دو نگاه در متن لایحه نیز دیده می‌شود: از یک سو، تعریف بی‌تابعیت‌ها و حقوق آنان؛ از سوی دیگر، ممنوعیت تغییر شغل و محدودیت جغرافیایی اقامت. در واقع، لایحه هنوز تصمیم نگرفته که مهاجر در ایران «مسئله» است یا «سرمایه».

۱۵۰ جلسه و هنوز ماده سوم

دبیر کمیسیون بررسی لایحه نیز به تازگی در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کرده که «در مرکز پژوهش‌ها ۱۵۰ جلسه درباره این لایحه تشکیل شد، ۸۰ جلسه با حضور کارشناسان بود، ۵۷ ماده به ۵۳ ماده تقلیل یافت، و تاکنون فقط سه ماده بررسی شده است».

به نظر می‌رسد که حالا دیگر اختلاف حتی بر سر واژه‌هاست؛ در ماده ۳، درباره استفاده از واژه «تابعیت» بحث شد. برخی گفتند باید حذف شود چون از حوزه قوانین مدنی است، برخی دیگر بر گنجاندن هدفمند آن اصرار داشتند و تصمیم نهایی به جلسه بعد موکول شد. همین روایت کوچک، نشانه بزرگی است از کندی و محافظه‌کاری سیستم در مواجهه با یکی از پیچیده‌ترین واقعیت‌های اجتماعی ایران.

بحران تعریف مهاجر در ایران

مساله این است که ایران طی دهه‌های اخیر، هم کشور مبدأ مهاجرت بوده (برای نخبگان و جوانان)، هم مقصد آن (برای اتباع افغانستان و برخی همسایگان).

اما هر دو سوی این جریان (مهاجرت ایرانیان و مهاجران به ایران) به‌طور عجیبی بدون راهبرد مشخص پیش رفته‌اند. در حالی که کشورهایی مثل ترکیه، قطر و امارات با نظام امتیازدهی و مجوزهای کاری چندساله، مهاجرت را ابزار توسعه کرده‌اند، ایران هنوز درگیر «ساماندهی اتباع غیرمجاز» است و در نبود قانون، مهاجرت به مسأله‌ای امنیتی و رسانه‌ای تبدیل می‌شود، نه اقتصادی و اجتماعی. نتیجه نیز همین بی‌نظمی‌ای است که هم دولت را خسته کرده، هم مردم را نگران و هم مهاجران را بی‌پناه.

در چنین شرایطی است که با وجود همه نقدها، اگر این لایحه به تصویب برسد و اجرای آن از نگاه کارشناسی پیش برود، می‌تواند نخستین گام ایران در ساخت سیاست مهاجرتی مدرن باشد. ایجاد «سازمان ملی مهاجرت» فرصتی است برای داشتن داده‌های دقیق، کنترل ورود و خروج، اخذ مالیات، ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی، و کاهش قاچاق انسان.

مهم‌تر از همه می‌تواند به رسمیت شناختن واقعیتی باشد که سال‌هاست در سکوت جریان دارد؛ میلیون‌ها مهاجر که بی‌آن که دیده شوند، در ساختن شهرهای ایران سهیم‌اند. اما اگر این سازمان هم گرفتار رقابت نهادی، اختلاف دولت و مجلس و حساسیت‌های امنیتی شود نه‌تنها گرهی باز نمی‌کند، بلکه بی‌اعتمادی تازه‌ای میان مردم، مهاجران و حکومت می‌سازد.

ادامه مناقشه بر سر تعریف «مهاجر» و «تابعیت»

آن مرد مهاجر که در نیویورک سوگند یاد کرد، امروز نماد جهانی «ادغام» است؛ شهروندی که از مسیر قانون و اعتماد، از مهاجر به مدیر رسید؛ اما در این‌سو، ایران هنوز بر سر تعریف «مهاجر» و «تابعیت» مناقشه دارد.

تا وقتی قانون روشن و نهاد کارآمدی وجود نداشته باشد، مهاجرت در ایران نه به فرصت، بلکه به بحران بدل می‌شود؛ مدارسی پر از کودکانی بی‌سند، بازار کاری بی‌نظارت و جامعه‌ای که میان ترس از دیگری و نیاز به او سرگردان است.

شاید روزی برسد که ما نیز بتوانیم به جای ترس، قانون بنویسیم؛ به جای طرد، نظم ایجاد کنیم و به جای بی‌سامانی، سازمانی ملی که مهاجرت را به بخشی از آینده بدل کند، نه زخمی از گذشته را تاسیس کرده باشیم. تا آن روز، مسیر منهتن تا تهران، هنوز طولانی است.

در قلب مناقشه دولت و مجلس بر سر لایحه؛ اما یک واقعیت پنهان وجود دارد؛ ایران نمی‌داند چند مهاجر در خاک خود دارد. وزارت کار می‌گوید «بیش از شش میلیون تبعه افغانستانی در کشور حضور دارند»، اما نمایندگان مجلس از «آمار سیاه» سخن می‌گویند که بسیار بالاتر است و به این ترتیب وقتی داده‌ها مبهم است، سیاست‌گذاری به تخمین متکی می‌شود

گزارش

چرا دادستانی علیه مهدی محمودیان اعلام جرم کرد؟

مهدی محمودیان از فعلان سیاسی اصلاح طلب است که در چند سال اخیر از این گروه فاصله گرفته، اما به فعالیت‌های مدنی و حقوق بشری مشغول است.

به گزارش رویداد ۲۴، پس از حواشی مرخصی چند روزه مصطفی تاج‌زاده، فعال سیاسی اصلاح طلب و نحوه بازداشت او، روز گذشته دادستانی علیه مهدی محمودیان دیگر فعال اصلاح طلب به خاطر انتشار مطلبی از سوی او اعلام جرم کرد.

خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه در توضیح اعلام جرم علیه محمودیان نوشته است: «فوت برادر یک محکوم امنیتی و درخواست وی برای حضور در مراسم خاکسپاری او با موافقت دادستانی تهران برای اعطای مرخصی به وی همراه بود. پس از موافقت دادستانی تهران در اعطای مرخصی به این محکوم امنیتی به او و کفیلش اعلام می‌شود این مرخصی صرفا برای شرکت در مراسم ترحیم برادرش به وی اعطا شده، یکشنبه ۱۱ آبان ماه روز پایانی مرخصی او بوده و باید در آن روز خود را به زندان معرفی کند. با پایان مهلت مرخصی محکوم مورد اشاره و با وجود تماس‌های مکرر با خانواده و شخص محکوم، وی از بازگشت به زندان استنکاف کرده و حتی وعده کفیلش برای معرفی او به زندان محقق نمی‌شود. با سفر محکوم به یکی از شهرهای شمالی، با دستور مقام قضایی وی برای معرفی به زندان مطابق قانون جلب می‌شود.»

میزان در ادامه نوشت: «پس از جلب محکوم مورد اشاره و معرفی وی به زندان جریان‌های خبری نزدیک به وی با جعل واقعیت در نحوه اعلام و معرفی محکوم امنیتی به زندان سعی در جاانداختن روایتی جعلی و غیرواقعی را داشتند که این موضوع از سوی مرکز رسانه قوه قضاییه اطلاع رسانی و حقیقت مطلب بیان شد. خبرسازی و انتشار روایت‌های جعلی پیرامون این موضوع به اینجا ختم نشد تا اینکه مهدی-م در یک مطلب کاملا مخدوش و غیرواقعی اطلاعاتی از برخی محکومان دستگاه قضایی منتشر کرد که در پی انتشار این اخبار ادعایی و کذب، دادستانی تهران علیه وی اعلام جرم کرد. بنابر این گزارش؛ با اعلام جرم علیه مهدی-م برای وی پرونده قضایی تشکیل شده است.»

با این توضیحات علیه مهدی محمودیان به خاطر مطلبی که در توئیتر خود در اعتراض به بازداشت تاج‌زاده منتشر کرده بود، اعلام جرم شده است. در آن مطلب محمودیان لیستی از مدت زمانی که محکومان اقتصادی در زندان به سر برده‌اند منتشر کرده و حالا قوه قضائیه می‌گوید آن لیست کذب است.

روز سه‌شنبه فخرالسادات محتشمی‌پور، همسر سید مصطفی تاج‌زاده، در پیامی در شبکه اجتماعی «ایکس» از بازداشت مجدد همسرش خبر داد. او نوشت: «با توجه به پیگیری‌های مکرر شما عزیزان در مورد وضعیت حضور همسر عزیزم، آزاده‌ی دربند سید مصطفی تاج‌زاده، در مراسم ترحیم یگانه برادرش، به اطلاع می‌رسانم آقای تاج‌زاده شامگاه سه‌شنبه ۱۳ آبان‌ماه با یورش مأموران امنیتی به منزل دخترش از حضور در مراسم شب هفت مرحوم سید محمد تاج‌زاده محروم شد.»

مهدی محمودیان از فعلان سیاسی اصلاح طلب است که در چند سال اخیر از این گروه فاصله گرفته، اما به فعالیت‌های مدنی و حقوق بشری مشغول است. او تا کنون در سه مقطع زندان رفته است. پس از انتخابات سال ۸۸ محمودیان به اتهام تبانی علیه نظام به ۵ سال حبس محکوم شد و سال ۹۳ از زندان آزاد شد.

این فعال سیاسی سال ۹۸ نیز پس از سقوط هواپیمای اوکراینی به اتهام امضای یک بیانیه و اجتماع و تبانی علیه نظام مجموعا به ۵ سال حبس محکوم شد. در پی این حکم چند ماهی را در زندان سپری کرد و پس از آن با قرار کفالت آزاد شد.

محمودیان در ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ به همراه جمعی دیگر که قصد به جریان انداختن شکوائیه‌ای درباره قصور در جلوگیری از کرونا در ایران داشتند، بازداشت شدند. پس از این بازداشت، حکم قبلی محمودیان به اجرا گذاشته شد و وی ملزم به تحمل ۵ سال حبس شد. او در تاریخ ۱۳ دی ۱۴۰۲ پس از سی ماه حبس از زندان اوین آزاد شد.

خبر

گروسی:
ایران همچنان تمامی اورانیوم غنی شده را حفظ کرده است

مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر در سخنانی سراغ مسأله هسته‌ای ایران رفت و گفت: «من بایستی گزارش کنم که دسترسی به مواد هسته‌ای را به‌طور کامل از دست داده‌ام.» او البته گفت که نیازی به ارائه شکایت به شورای امنیت سازمان ملل در این خصوص نیست.

به گزارش فرارو، رافائل گروسی در گفت‌وگو با نشریه آمریکایی فایننشال تایمز، ادامه داد: «ایران بایستی به شکلی جدی همکاری خود را با بازرسان سازمان ملل بهبود بخشد تا از تشدید تنش با غرب جلوگیری کند.»

وی تصریح کرد: «ایران بعد از حملات آمریکا و اسرائیل، همچنان تمامی اورانیوم غنی شده را حفظ کرده است.»

گروسی در ادامه گفت: «خسارت وارد شده بزرگ بوده است؛ اما بر اساس ارزیابی‌های ما اگر نگوییم همه اش، اما بیشتر اورانیوم ۶۰ درصد غنی شده و نیز اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده و ۵ درصد و ۲ درصد غنی شده در ایران موجود است و اگرچه ما آن را به هیچ هدف نهایی ارتباط نمی‌دهیم؛ اما صرف وجود این میزان بالا از اورانیوم غنی شده که نزدیک به غنی‌سازی در سطح ساخت سلاح [هسته‌ای] است، امری نگران کننده به شمار می‌رود.»

خبر

رمضان‌زاده:
مجلس در مسیر دولت سنگ‌اندازی می‌کند

سخنگوی دولت اصلاحات گفت: مجلس در مسیر دولت سنگ‌اندازی می‌کند زیرا نماینده اکثریت مردم نیست.

عبدالله رمضان‌زاده، در گفت‌وگو با آوش درباره تندروی‌ها علیه دولت اظهار کرد: در گذشته آقای پزشکیان نشان داد که فردی صادق است و امروز هم با تمام توان برای عمل به وعده‌های خود تلاش می‌کند. اما ادامه مسیر در اختیار او نیست و بخش زیادی از تحقق وعده‌ها به شرایط و همکاری سایر نهادها بستگی دارد. از این پس دیگر خدا می‌داند که روند امور چگونه پیش می‌رود و آیا او می‌تواند به همه وعده‌هایش عمل کند یا خیر.

او افزود: دکتر پزشکیان پیش‌تر گفته بود اگر نتواند به وعده‌هایش عمل کند گردن خود را در برابر مردم می‌گذارد. اکنون باید دید در عمل چه میزان از این وعده‌ها محقق می‌شود در هر حال او از صداقت و حسن نیت برخوردار است و تلاش خود را انجام می‌دهد.

سخنگوی دولت اصلاحات تصریح کرد: مجلس در مسیر دولت سنگ‌اندازی می‌کند زیرا نماینده اکثریت مردم نیست. هنگامی که نهاد قانون‌گذار از پشتوانه رأی واقعی و گسترده مردم برخوردار نباشد به‌جای تعامل با دولت در برابر آن قرار می‌گیرد و مانع اجرای برنامه‌های کلان کشور می‌شود.